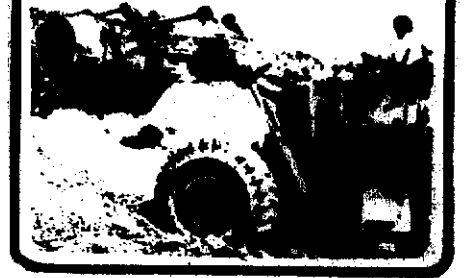


# با جهادگران در جبهه



جهاد استان خراسان از جمله جهادهایی است که از ابتدای جنگ تحمیلی در این نبرد عظیم و مقدس شرکت داشته و وظایفی نیز در رابطه با عملیات گوناگون برعهده داشته است.

برادر ساجدی مسئول ستاد پشتیبانی جهاد استان خراسان در جبهه های جنوب در گفتگویی با مجله «جهاد ارگان جهاد سازندگی گوشه هایی از عملکرد این جهاد در عملیات فتح المبین و بیت المقدس را برشمرد.

با هم این مصاحبه را می خوانیم:

**\* س - در چه عملیاتی شرکت داشته و آنرا هماهنگ نموده اید؟**

ج - مدت هشت ماه در جبهه هم بوده و در عملیات طریق القدس، جزایه، فتح المبین، بیت المقدس و رمضان شرکت داشته ام.

**\* نقش جهاد در جبهه و جنگ چیست؟**

ج - جهاد در جبهه سه کار عمده را انجام می دهد، یکی مهندسی جبهه، یکی تدارکات و پشتیبانی جبهه ها، و دیگری نیز کارهای فرهنگی و اجتماعی در جبهه است. کارهای مهندسی زدن خاکریز و ایجاد سنگر در خطوط مقدم جبهه است و دومین مساله در رابطه با مهندسی، زدن سنگرها، سنگرهای تانک، توپخانه، سنگر نفرا، راهسازی در خط و مسیر خط و... است. دومین نقش جهاد در جنگ تدارکات و پشتیبانی است یعنی تدارکات جنگ که جمع آوری هدایای مردم توسط جهاد سازندگی است بدست رزمندگان می رساند. مساله مهمی که در جبهه ها مطرح است، مساله راهسازی جهاد است که به رساندن تدارکات در جبهه ها سرعت می بخشد و گاهی این راهسازی طوری عمل می شود که

رزمندگان ما به راحتی از پشت به دشمن آنها را غافلگیر می کند. مثل ساختن جاده هایی بر روی رمل و یا کود. سومین نقش جهاد، تبلیغات و انجام کارهای فرهنگی در خطوط مقدم جبهه است.

نصب پلاکارد، نوشتن شعار، بردن فیلم و پوستر و روزنامه، اعزام روحانی برای حل مسائل شرعی رزمندگان از کارهای فرهنگی جهاد سازندگی برای حفظ روحیه رزم اوران اسلام است.

**\* س - در رابطه با عملیات مهندسی**

قدری بیشتر توضیح دهید و بگویند قبل از حمله نحوه عملیات مهندسی چگونه است.

ج - ما قبل از حمله سعی می کنیم که خودمان را به دشمن نزدیکتر کنیم و خاکریزهای بیشتری در نزدیکی دشمن بزنیم، بطوریکه نیروهای رزمنده ما بتوانند براحتی نزدیک دشمن شده و در شب عملیات ضربات سنگینی بر دشمن وارد کنند که دقیقاً در عملیات طریق القدس، بیت المقدس و فتح المبین

می شود و برادران جهادی در تمام لحظات در زیر گلوله ها و توپ های دشمن فقط بخاطر خدا و یاری اسلام کار می کنند و از هیچ چیز نمی ترسند و بیشروری می کنند و در این راه آرزوی شهادت می کنند و بدین وسیله می خواهند با خون خویش اسلام را تثبیت کنند.

**س - نقش جهاد خراسان در عملیات گذشته چگونه بوده است؟**

ج - در عملیات فتح المبین، مادررقابیه و درست مقابل تپه های رقابیه مستقر بودیم ما باید ۱۵ کیلومتر در دشت رفته و از میدان مین عبور کرده و به جلو می رفتیم تا مواضعی برای تدافع و بستن تنگه برغازه بدست آوریم. در آن شب ما با تیپ کر بلا همکاری می کردیم، و قرار بود که با همکاری هم دشمن را که روی رقابیه تک داشت، طبق دستور تاکتیکی به سنگرهای خودمان کشانده و آنها را متلاشی نماییم در مرحله دوم با شجاعتی بی نظیر

**مصاحبه با برادر ساجدی مسئول ستاد پشتیبانی خراسان:**

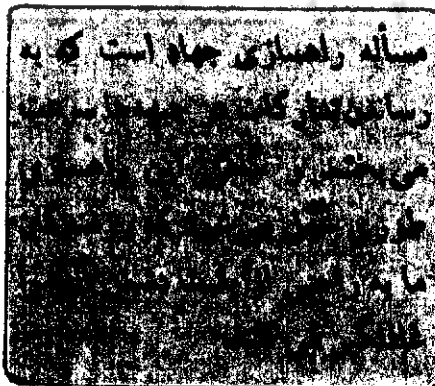
## نقش جهاد خراسان در عملیات

رزمندگان و جهادگران توانستیم مواضع دشمن را تصرف کرده و تپه های رقابیه را بگیریم. پس از آن قرار شد برادران جهاد مواضع پدافندی زده و آتش تانکها را نیز خاموش می کرد بلندبهای برغازه در دست ما بود و ما مجبور بودیم در این دشت سنگر تانک بصورت زیگزاگ بزنیم و بجلو برویم، برادران جهادگر در این موقعیتی که از دو سو در معرض آتش خمپاره ها و توپ ها قرار گرفته بود با ایثار تمام ۵۰۰ الی ۶۰۰ متر جلوتر از نیروهای رزمنده به جلو حرکت می کردند و سنگر می ساختند، بالاخره ماموف شدیم و بطرف میدان مین رفتیم در کنار میدان مین چند نفر از گروه تخریب شهید شدند، و در این لحظات امدادهای غیبی الهی نمایان شد، در آنجا دشمن بر روی بلندی قرار داشت و مادرروی دشت صاف و بزهت قرار گرفته بودیم و دشمن سریعاً ما را مورد حمله قرار داده بود و حتی یکی از برادران ما تکه تکه شد در آن حالت مادر یافتیم که نمی توانیم از میدان مین عبور کنیم، عراقی ها تانکهای ضدتانک را در سه، چهار ردیف گذاشته بودند. در همان موقعیت حساس ما یک خاکریز ۶ الی ۷ کیلومتری زدیم تا نیروهای رزمنده بتوانند از عقب به جلو بیایند و باتک دشمن را بگیرند و ما نیز بتوانیم نجات پیدا کنیم و تدارکات را به برادرانی که روی تپه های رقابیه بود برسانیم. لحظات فوق العاده حساسی بود، لحظاتی که همه فکر می کردیم در اینجا چه برگردیم و چه جلو برویم

**\* س - نقش عملیات مهندسی جهاد**

سازندگی بعد از حمله چگونه است؟

ج - بعد از عملیات چون ما حمله کرده ایم، نقطه ای را به عنوان مواضع جدید، پدافند می کنیم (که این مواضع گاهی با ۲۰ کیلومتر و گاهی بیشتر و کمتر خط دفاعی دشمن را می شکند) به این طریق که بعد از آغاز حمله و شروع زدن و خورد بین نیروهای اسلام و دشمن نیروهای پیاده بجلو می روند و دشمن را متلاشی می کنند و در آنجا مواضعی را که جهاد باید برای امنیت پدافند کند مشخص می شود. در آن زمان...



جهاد

س - تعداد شهدا و نحوه شهادت آنها در عملیات رمضان چگونه بوده است

ج: در ابتدای عملیات قرار بود که گروه تخریب و گروه راهنما برای خنثی سازی میداین مین از سپاه یا ارتش همراه باشند ولی متأسفانه ما نه راهنما و نه گروه تخریب داشتیم، وقتی به معبر مین رسیدیم، سد شکسته شد و بچه ها حرکت کردند و به میدان مین برخوردند، کسی نبود که آنها را هدایت کند که باید از کجا بروند و بالاخره تا صبح فردا ما در پشت میدان مین سرگردان بودیم، اینکار نقشی بود که باید سپاه و ارتش انجام میداد، دلیل آنها نیز این بود که بچه های گروه راهنما و تخریب آنها شهید شده بودند، چون نیرو نداشتند، نتوانستند با ما همکاری کنند. صبح فردا مجبور شدیم که با بلنوزر میدان مین را باز کنیم (زیرا معطل شدن جایز نبود و به نابودی ما ختم میشد) یکی از برادرها با بلنوزر برای خنثی سازی مین ها رفت، مین ها منفجر می شد و او می رفت خوشبختانه «مین ها» ضد نفر بود و اگر ضد تانک بود نمی توانستیم چنین کاری کنیم، ما توکل بر خدا کردیم و گفتیم اگر ضد تانک بود که منفجر می شود و اگر ضد نفر بود که رد می شویم می رویم و پشت آن باقی نمی مانیم، و با توکل بر خدا رفتیم. وقتی بچه هایی که با بلنوزر از معبر مین برگشته بودند برادر راننده بولنوزر که برادر ابویان بود، یکسری دیگر رفت و دوباره برگشت و جاده را باز کرد که موشکی به او خورد و به شهادت رسید و بلنوزر نیز آتش گرفت. شهید گلکار رفت که بلنوزر را خاموش کند که موشک دومی آمد و او نیز به شهادت رسید. یکی از برادران مسئول خط نیز درحین کار با موتور مجروح شد و در این عملیات



## فتح المبین و بیت المقدس

حملات ابتدایی داشته باشیم. پس از خاتمه این مرحله از عملیات از سوی تیپ کربلا دستور داده شد که جهاد خراسان با جهاد اصفهان در قرارگاه فتح همکاری نماید. جاده تا دژ آسفالت بود، ما با همکاری جهاد اصفهان از دژ بطرف شلمچه آمدیم و در مراحل سوم و چهارم با همکاری با تیپ محمدرسول... و با

به نابودیمان می انجامد. در همان موقع که ما از خداوند نصرت و یاری می طلبیدیم، هوا سیاه شد و توفان شدید و ماسه بادی و ماسه های رونده بسوی دشمن حرکت کرد و دشمنی که می توانست ما را به راحتی ببیند، طوری شد که ما خودمانرا هم در فاصله ۵۰ متری نمی دیدیم و فقط بر اساس اطلاع حرکت می کردیم و خاکریز می زدیم. هنگامیکه خاکریز زدیم و تمام شد و می خواستیم استراحت کنیم که یک باران شدیدی شروع به باریدن کرد و هوا صاف شد و ما فردای آن روز میدان مین را پاکسازی کردیم و مواضع را محکم کردیم و از مسیر برغازه جاده زدیم و جاده فکه را نیز بدست آوردیم.

عملیات بعدی که جهاد خراسان در آن شرکت داشت عملیات بیت المقدس بود. در بیت المقدس سه لشکر قدس، فتح و نصر شرکت داشتند. لشکر قدس از یزدنو به هویزه و از هویزه به نوار کرخه نور و از کرخه نور به نبرد بود و نقش جهاد خراسان در اینجا به مسئولیت اجرائی قرارگاه بود و برادران جهاد استان تهران و استان سمنان با ما همکاری می کردند. در مرحله اول عملیات بیت المقدس وظیفه لشکر قدس تخریب بود. این لشکر به دشمن ضربه زده و بجای اصلی خود برگشتند. در مرحله اول بنا شد هویزه را بگیرند و بعد نیز پادگان حمید را بگیرند و بطرف پاسگاه شاهپیه و کوشک بیابند و در این محور عمل کنند، ولی به علت عدم موفقیت در این مرحله، تیپ کربلا دستور توقف عملیات را داد، بطوری که فقط

**\* برادران جهاد در تمام لحظات نبرد با دشمنان ما را در هر لحظه و در این راه آرزوی شهادت می کنند و بدین وسیله می خواهند با حضور خویش اسلام را تثبیت کنند**

حدود ۹ نفر نیز مجروح داشتیم.

س: پیشنهادی اگر دارید بفرمائید؟

ج: پیشنهاد ما بطور مشخص این است که چون جهاد بیشتر در رابطه با عملیات مهندسی عمل می کند این نقش از جانب ارتش و سپاه بیشتر در نظر گرفته شود و برادران مسئول ستاد پشتیبانی جنوب نیز با انسجام و تشکل بیشتر بر فعالیت های جهادهای استان ها نظارت بیشتری داشته باشند. تا انشا... با هماهنگی و داشتن تشکیلات بهتر بتوانیم هرچه زودتر بردشمن فاتق ائیم. (والسلام)

قرارگاه لشکر فتح خاکریز های زیادی حدود ۲۱ کیلومتر زدیم و تعداد سنگر تانک زده را راهسازی کردیم.

درحمله رمضان نیز جهاد خراسان با لشکر فجر همکاری می کرد و قرار شد با لشکر ۷۷ و تیپ جوادلانته خراسان نیز همکاری کند. ما در مراحل اول و دوم با موفقیت تقریباً نیروهای دشمن را منهدم کرده و به دژ دشمن رفتیم و حدود ۱۸ الی ۱۹ کیلومتر خاکریز زدیم و چند مواضع توپخانه، حدود ۱۴ الی ۱۵ مواضع تانک (چه در پشت و چه در جلوی دژ) زدیم و راههایی را که در مسیر حرکت نیروها بود، بطول ۳۰ کیلومتر آماده نمودیم.